

فرهنگی، اجتماعی، هنر و رسانه

جاذبه



برخاستن فیلمفارسی از دنده کم‌دی

این روزها فیلم‌هایی در حال اکران است که از همان قواعد فیلمفارسی مثل قهرمانان پوشالی، رقص، ترانه خوانی و... پیروی می‌کنند که نشان می‌دهد زیر پوست سینمای ایران ابتدالی سازمان یافته شکل گرفته است

صفحه ۱۰

سعادت جویی از ولایت‌مداری تا شهادت

نویسنده کتاب «آخرین فرصت» در گفت‌وگو با «جام جم» زندگی شهید دلداده امیرالمومنین^(ع) را روایت کرده است

۱۱

شاعران؛ چاووش خوانان کاروان شهادت

شعر دفاع مقدس باعث ایجاد سبک‌ها و مضمون‌های جدیدی در شعر فارسی شده است

۸



رقابت برای آموزش خلاقانه

«میم مثل معلم» با اجرا و تهیه‌کنندگی علی عبدالعالی معلمان خلاق و توانمند را معرفی می‌کند

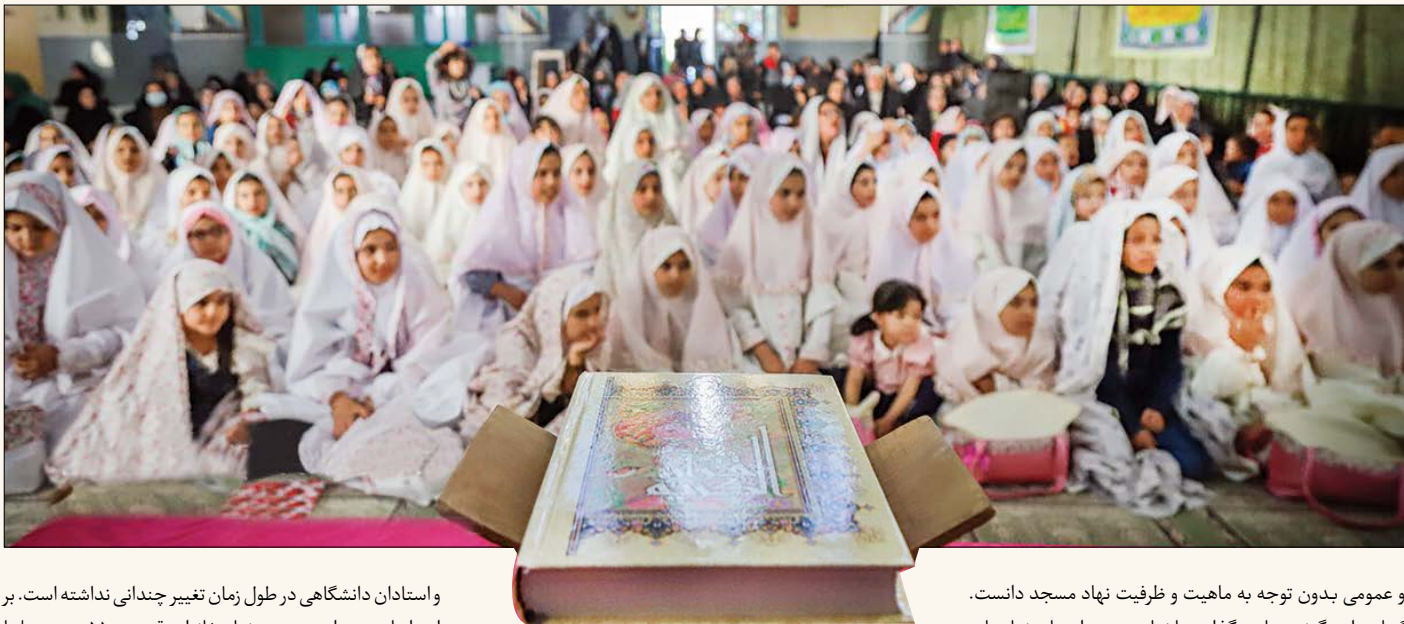
۶



زاویه دید

کارکرد اجتماعی؛ حلقه مفقوده فعالیت مساجد

به منظور احیای کارکرد اجتماعی مسجد در دوران معاصر، نیاز به ایفای نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی در تنظیم سند بالادستی در این حوزه احساس می‌شود



آرش شفاعی
گروه فرهنگ و هنر

نهاد مسجد در صدر و برهه‌هایی از تاریخ کارکردهای اجتماعی متنوعی داشته است. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، باگذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نهادهای مختلف ناظر بر حوزه مسجد، این نهاد جایگاه مطلوب خود را در جامعه انقلابی ایرانی پیدا نکرده و حتی از محوریت آن نیز کاسته شده است.

براساس آخرین گزارش مرکز رصد فرهنگی کشور در آذر۱۴۰۲، از مجموع تعداد مساجد کشور فقط در ۳۰/۶ درصد آنها نماز جماعت در هر سه نوبت برگزار می‌شود. براساس این گزارش، فراوانی ادای نماز جماعت از سال ۱۳۷۹ تا ۱۴۰۲ در حد متوسط و تا حدودی رو به پایین بوده و این درحالی است که مسجد محل بروز ظرفیت بنیادین و تاریخمند دین در جامعه و فرهنگ ایرانی است و انتظار می‌رود که مسجد در جمهوری اسلامی ایران کارکرد اجتماعی و فرهنگی خود را حفظ کند و ارتقا دهد. در سال‌های نخست شکل‌گیری نظام اسلامی در ایران، این نقش پررنگ و بسیار حیاتی بود و در دوران دفاع مقدس، مسجد به پایگاه جذب نیروهای رزمنده و پشتیبانی از جبهه‌ها تبدیل شده بود اما این کارکردها در طول زمان از دست رفت و نظام سیاست‌گذاری کشور نتوانست آنها را حفظ کند. اگرچه در دوران کرونا نیز شاهد بازگشتی به این کارکرد اجتماعی بودیم اما این بازگشت نیز جنبه موقت و زودگذر داشت و نتوانست اثرگذاری طولانی مدتی برای بگذار و با رفع الزامات، آن سیاست‌گذاری‌ها هم فراموش شد.

نگاه انفاکای به مسجد

بخشی از این معضل به دلیل گسترش ناگزیر مدرنیسم در جامعه ایرانی است. مدرنیته، نظام‌های اجتماعی خاص خود را ایجاد کرد و در امتداد آن، نظام ارتباطات اجتماعی در جوامع مسلمان، از ارتباطات سنتی به ارتباطات مدرن تغییر یافت. در کنار تغییرات متأثر از موج تجدد، اتفاقات دیگری نیز رخ داد که در عین این‌که از محوریت نهاد مسجد می‌کاست، ریشه آنها الزاماً در تجدد نبود. اتفاقاتی مانند تغییر الگوهای مرجع و جدایی کارکردهای سنتی مسجد از آن در فرایند پیچیده‌تر تشکیلات حکمرانی (مانند نهادهای قضا و تعلیم و تربیت) وضعیت جدیدی را شکل می‌داد که در تعارض با نظام‌های اجتماعی بود و سنت و رهاوردش، دین را به چالش می‌کشید.

در تحلیل مرحله عمیق چالش‌های کلان سیاست‌گذاری مسجد در ایران در راستای احیای کارکردهای اجتماعی آن، علت‌العلل مشکلات این عرصه را می‌توان نگاه انفاکای به نهاد مسجد از جامعه پیرامونی و بدون ربط و نسبت دادن آن با سایر نهادها و نظام‌های اجتماعی و در نتیجه سیاست‌گذاری نهاد مسجد بدون توجه به الگوهای توسعه‌ای و سیاست‌گذاری دستگاه‌ها و نهادهای دولتی

برش

محلات ما امام ندارند

همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، یکی از مشکلات مساجد در کشور، کمبود امامان جماعت به نسبت جمعیت و تعداد مساجد است. همچنین براساس آمار مذکور در میان ۲۳ هزار و ۷۲۵ نمونه از پایگاه‌های مرتبط با مساجد کشور، ۵۰۵۴ (معادل ۱۴/۹۹ درصد) امام جماعت ندارند. به‌رغم تورم دستگاهی در حوزه مسجد در جمهوری اسلامی ایران، حیطه‌های خلاسیاستی حیاتی و فراوانی مانند حیطه امامت جماعت مساجد وجود دارد. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی، تعداد قابل‌توجهی از دستگاه‌ها «متولی» امور مسجد و شکل‌گرفت که یا به شکل مستقیم در مسجد حضور داشتند یا مسجد بخشی از حیطه عملکردی آنها محسوب می‌شد. هرکدام از این دستگاه‌ها، به نوعی و با سطوح مختلفی، مداخله در یک یا چند بخش با شأن از نهاد مسجد را به عنوان کارویژه خود تعریف کرد و در مواردی خود این دستگاه‌ها به تقسیم کار در این رابطه پرداختند. آنچه در عمل اتفاق افتاد، این بود که این دستگاه‌ها «متولی» امور مسجد و ارائه‌دهندگان خدمات به نمازگزاران در صحن مسجد بوده و نمازگزاران نیز دریافت‌کنندگان این خدمات یا «مخدومین» مسجد هستند. در نتیجه کنشگری فعال نمازگزاران در بخش‌های مختلف مسجد از جمله در انتصاب امام جماعت، رو به افول گذاشت و بخشی از برهم خوردن نظم سنتی و اصیل انتخاب و نگهداشت امام جماعت به‌وقوع پیوست. از سویی هیچ سند بالادستی در زمینه فرایند تعیین امام جماعت مساجد که حدود مداخله دستگاه‌ها را معین کند، وجود ندارد و همین امر موجب به‌وجود آمدن شیوه‌های مختلف مداخله‌های مستقیم دستگاه‌ها در نصب و عزل ائمه جماعات شده است. همچنین تاکنون هیچ سند یا قانونی جهت سامان بخشی و انسجام‌دهی به دستگاه‌ها و سازمان‌های متعدد فعال در مسجد به تصویب مراجع سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری نهاد مسجد نرسیده است.

موارد	تعداد	درصد
روحانی دائم	۲۲۰۹۲	۶۵/۱۵
روحانی غیردائم	۵۸۲۸	۱۷/۲۸
غیرروحانی	۷۵۱	۲/۲۳
امام ندارد	۵۰۵۴	۱۴/۹۹
مجموع پایگاه‌های سرشماری شده	۳۳۷۲۵	۱۰۰

و استادان دانشگاهی در طول زمان تغییر چندانی نداشته است. بر این اساس همواره مرجعیت نهاد خانواده قریب به ۵۵ درصد، علما و روحانیون قریب به ۱۵ درصد، استادان دانشگاه ۱۱ درصد و معلمان حدود ۴ درصد بوده است اما بررسی مطالعات و گزارش‌های کیفی مانند تحلیل‌ها و پژوهش‌های مردم‌نگارانه، گویای این امر است که در دهه‌های اخیر به دلیل تحولاتی مانند تغییرات سبک زندگی به‌ویژه برای نسل جوان، شیوه و الگوی تعامل با مراجع سنتی تغییر کرده و به تبع این تغییر الگوها، ارزش‌ها و هنجارهای تقلیدی نیز در نزد افراد جامعه تغییر یافته است. برای نمونه در دو دهه گذشته الگوی دینداری از روحانیت‌محوری به مداح‌محوری تغییر یافته و محسوس و سطح مداخله آن در سبک‌های دینداری اقبال دیندار پررنگ‌تر شده و این امر می‌تواند در طول زمان به تضعیف نهاد روحانیت به‌عنوان مرجع منجر شود و حیات نهاد مسجد را که همبستگی مستقیمی با حیات نهاد روحانیت و حوزه علمیه دارد، به خطر بیندازد.

به‌دلیل عدم تهیه سندی سیاسی و بالادستی که مرامنامه سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در آموری مانند نقش دولت، رویکرد مداخله دولتی و سطح مداخله آن در قبال موضوع مسجد و اجزا و لوازم آن مشخص کند، دائن‌دار دوره‌های مختلف بین رویکردهای مزبور کشمکش به‌وجود آمده و مانع از شکل‌گیری خط سیر ثابت و پایداری در سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران شده است.



متن کامل

نیز نشان می‌دهد. همچنین جدایی نهادهایی مانند قضا و تعلیم و تربیت از مسجد در فرایند پیچیده شدن تشکیلات حکمرانی در نتیجه شکل‌گیری دولت مدرن در ایران و نظام آموزشی متناظر با وضعیت مدرن موجب شده جایگاه نهاد مسجد در یافت ارتباطات اجتماعی در بستر تمدن و جوامع اسلامی تحت تأثیر قرار گیرد. خاصه آن‌که پس از انقطاع کامل این نهادها از مسجد، هیچ ارتباط ساختاری، ولو حداقلی و تنظیم شده، برای مثال میان این شکل نوین حقوقی و تعلیم و تربیت با مسجد ترسیم و برقرار نشد.

به همین دلیل و در توسعه شهری، نخست شورای عالی انقلاب فرهنگی باید با تهیه سند بالادستی و کلان سیاست‌گذاری مسجد را طراحی کند و سپس ساختارهای ناظر بر حوزه مسجد با رویکرد احیای کارکرد اجتماعی این نهاد بازمهندسی شده و در نهایت دستگاه‌های دولتی و غیردولتی به ارائه بخشی از خدمات اجتماعی خود در بستر مسجد و گسترش تدریجی ارائه این خدمات ملزم شوند.

تغییر الگوهای مرجع و خطرات آن

در این زمینه باید به مؤلفه‌هایی مانند تأثیر تغییر الگوهای مرجع بر شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد توجه داشت. پیمایش‌های موج اول (۱۳۷۹) تا سوم (۱۳۹۴) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نشان می‌دهد که میزان کمی مرجعیت مراجع و بررسی اجتماعی و سیاسی سنتی مانند گروه‌های خانواده، علما و روحانیون، معلمان

و عمومی بدون توجه به ماهیت و ظرفیت نهاد مسجد دانست. گویا در این گونه سیاست‌گذاری‌ها نهاد مسجد از سایر نهادهای اجتماعی مانند نهاد محله منفک دانسته می‌شود و در نتیجه نگاه سیاست‌گذار برای احیای مسجد، تنها ناظر بر خود نهاد مسجد است، درحالی که مسجد در طول تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران از نهادهای پیرامونی و بسیار اثرگذار اطراف خود مانند نهادهای محله، حوزه علمیه و بازار منفک نبوده و روح نهاد محله از وجود مسجد، ظهوری قدسی می‌یافته است.

ضرورت سند نویسی و بازمهندسی

در گذشته، مساجد و حتی حسینیه‌ها و هیات‌های مذهبی به عنوان مراکز ارتباطات اجتماعی و منابع فرهنگساز عمل می‌کردند و اقتدار نهادهای مذهبی بر مناسبات اجتماعی و فضای شهری از نظر ریخت‌شناسی نیز چنان آشکار بود که مناطق مسکونی و مراکز خدماتی و تولیدی شهرها غالباً پیرامون یک سازمان مذهبی مانند حرم امامان (ع) یا نوادگان و فرزندان آنان و مساجد جامع شهرها شکل گرفته بود؛ به گونه‌ای که اگر فضای بالای به بسیاری از شهرهای جوامع اسلامی نگاه می‌شد، محوریت حرم یا مسجد در آنها کاملاً مشهود بود اما امروزه با تنوع‌یابی ساخت‌های اجتماعی و شکل‌گیری مراکز ارتباط اجتماعی بیرون از مرکز دینی و نیز با گسترش مراکز رسانه‌ای رقیب و شبکه‌های اجتماعی، پیام‌های فرهنگی و الگوهای معیشتی از منابع متعدد و متنوع به سوی جامعه سرازیر است و همین امر به فروکاستن از نقش مرکزی مسجد منجر شده که خود را در معماری شهر